

نورانی بودی نه آنچه در دست از دو حال آنکه اقی که نزدیک است
تا کسیت و آخر روشن تا آنجا حضرت مستطین غیر غیر کس
و آن صبح صادق که نید به سطر اکر و شتر ادا حدت
از صبح اول هفت صغیر پنجه علامه شیرازی در کتاب تحفه تقریر
نموده و فقیرا در آن نظر هست چرا که کلام او منافی با او است
بنابر آنکه آنچه نیا در وجه تسمیه صبح اول بکار گرفته که کذب
است که در اول این نموده و نسبت روشن مطلق صبح با قبل
آفتاب فرموده و تحویل است که آنچه در وجه تسمیه کتب
و این سخام صواب در وجه تسمیه بر وجه هر که شایع چنین است که
است که گویند آنکه اقی با وجود ظهور صبح اول را که نیا
کتاب است که روشن را از نور آفتاب شد و قطعی است که
و تسمیه شمشاد روی شدن و حشدیدن روشن شدن و دیده
مسترد اولی راجع است به موصوله و تسمیه تیره راجع به صبح
و حاصل معنی این فقره نظر به موصول و تسمیه تیره است که ای

صدام

خدای هجرت الوجودی الیک سرور در در صبح
هفته سخن کردن روشن شدن صبح و نظر به هفت قرآن که
ای خدای توبه حال شو بخیر خوبی دای الیک سرور در در
صبح را تا آخر هجرت کردن روشن شدن صبح و هجرت
تسمیه صبح اول لسان طبرست اما سخن زبان تواند بود که چنانکه
مطهر صورت تخطات امر از دست صبح نیز برای که در اول
ش کمن است رسمون را برت و چنان استعاره مطلق است
روشن شدن که عبارت از صبح نایه از اقی صبحان طالع است
و می تواند بود که چون از نور صبح اسرار چه نیا که در
تجلی که حال آنکه تسمیه از لی حسن و زلی با می شایم نری برای
ایمان و کلمات جلوه فرموده و از زمانه کنت کنتا مختصا
آن اعرف برف برقع ترغ و منع مبارک است موه طاعت
صبح و وجود را از نظر غلام شام عدم چه کند و ظاهر
کلماته الصغیرات کمال نفوت جلاله جمال خود شایا

Copyright © King Saud University